

تفاوت مقام اجتهاد و افتاء و نیاز به علوم انسانی اسلامی

1[؟] پیشتر درباره علوم انسانی اسلامی نگاشته ام. همچنین در برخی مقالاتم درباره ماهیت فهم و رفتار علم، بیان داشتم که علم، ساختاری فراکتالی دارد و فهم ما از یک پدیده، مرحله به مرحله به پیش می رود (مراحل متفاوت از هم و خودهمانند: برخال)

2[؟] معرفت دین، فهم اولیه، اجتهاد متن و منبع دین است؛ که در فراکتال اول تولید می شود. مرحله دوم کاربرست های همان معرفت است که با انضمام با عینیت، اجراء و علمیاتی سازی معرفت دین در مقام عمل (دینگزاری) تولید میشود که آن را “مقام افتاء” نامیده ام. مقام افتاء که ناظر به عینیت است، از همان منابع دین فراهم میشود و اگر چه در فراکتال دوم در حوزه تدابیر اجتماعی دینی، بسیار دشوار میشود. گو اینکه ظهور معرفت دینی در قامت علم انسانی اسلامی نیازمند همداستانی مطالعات بسیار و داده های ریزوماتیک است. مثلاً یک فیلسوف ذهن نمی تواند بدون معارف انسان شناختی اسلامی، فلسفه ذهن اسلامی را بنیان کند، گو اینکه بدون مطالعات عصب ادراک شناختی هم نمیتواند... عالم اخلاق هم نمی تواند در علم اخلاق نسبت به اموری چون تغذیه، ورزش، عصب شناسی اخلاق و... کم بهره باشد... بخشی از علم اخلاق اسلامی همین مباحث است. اقتصاد، جامعه شناسی، علم مدیریت، علم سیاست

اسلامی و... هم بشرح ایضا.

3[؟] بنابراین علی القاعده اداره جامعه اسلامی، محتاج علم انسانی اسلامی است و نه علوم انسانی موجود یا اجتهاد اولیه. ما باید معرفت دین را در قالب علوم انسانی اسلامی عرضه کنیم تا بتوانیم مؤلفه های تمدن اسلامی را شکل دهیم (چنین چیزی اینک در جریان نیست)

4[؟] از سوی دیگر، مکاتب علوم انسانی (بخش نرم علوم) با بخش ریاضیاتی و ریزوماتیک علوم انسانی، بطور همگداخته و در مباشرت با هم، ساخته میشوند. لذا نمیتوان تقسیم کار کرد و گفت بخش نرم علوم را روحانیان تولید کنند و بخش ریزوماتیک را دانشگاهیان. بعدا آن را یکجا(?) مونتاژ میکنیم... این نظرا و عملا منتج به نتیجه نیست.

5[؟] حال مشکل اینجاست که روحانیان بویژه روحانیان سنتی نسبت به این فرآیند اشراف ندارند و این می تواند آسیب رسان باشد... همچنین دانشگاهیان، اگر بدرستی معنا و مفاد علم انسانی اسلامی را تصور و تصدیق نکنند، بدون اشراف به مسائل علوم اسلامی، به پیش می روند، این هم زیانبار است.

? این است که بانک داریم اما ربوی، ازدواج داریم اما روسپی خانه های زیر زمینی هم، مدیریت داریم، اما ناکارآمدی هم، اظهار نظرهای دینی غلط داریم و تحلیل جامعه شناختی نه...

? باید مجدداً اندیشناک تولید علوم انسانی اسلامی باشیم...
